



هفت‌نامه زمان ظهور



در این شماره می‌خوانیم:

به بهانه روز کتاب و کتاب‌خوانی
نگاهی بر یکی از مصادر تشریع مکتب اصولی شیعه
تلنگری بر هر مسیحی‌ای که به یحیی ایمان دارد
یاری حجت خدا در فضای مجازی
طریق وحی در شناخت خدای سبحان
اجبار بدون مجوز
آیات و روایاتی که نشان می‌دهد انتخاب خلیفه با خداست، نه شورا!



آیا محمد ﷺ با نام و صفت در تورات و انجیل ذکر نشده بود؟! حتی یهودیان، مدینه مبارک را برای انتظار او بنا کرده بودند و می‌دانستند که مدینه محل هجرت اوست! با این حال، بیشتر یهودیان و مسیحیان به او کافر شدند، مگر تعداد بسیار کمی که به عهد خدا وفادار ماندند. آیا عیسی ﷺ با نام و صفات در تورات ذکر نشده است؟! با این حال بیشتر یهودیان به او کافر شدند. جلودارهای کفر به انبیا و اوصیا ﷺ در هر زمان و مکان، علمای بی‌عمل بوده‌اند و پیروان آن‌ها بندگان حقیرشان هستند که آزادبودن را نمی‌پذیرند.

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پرسش و پاسخ

فهرست

- ۳..... به بهانه روز کتاب و کتاب خوانی
- ۵..... نگاهی بر یکی از مصادر تشریع مکتب اصولی شیعه
- ۷..... تلنگری بر هر مسیحی ای که به یحیی ایمان دارد
- ۹..... یاری حجت خدا در فضای مجازی
- ۱۱..... طریق وحی در شناخت خدای سبحان
- ۱۳..... اجبار بدون مجوز
- ۱۵..... احکام شرعی مربوط به معلم و دانش آموز
- ۱۷..... با خدا باش و همیشه خدا را یاد کن
- ۱۸..... آیات و روایاتی که نشان می دهد انتخاب خلیفه با خداست، نه شورا!
- ۲۱..... خورشید فاران



هفته نامه زمان ظهور

هفته نامه زمان ظهور، شماره ۹۲، جمعه ۲۳
آبان ۱۳۹۹، ۲۷ ربیع الاول ۱۴۴۲، ۱۳ نوامبر
۲۰۲۰

صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله
الطاهرين

به بهانه روز کتاب و کتاب خوانی :

آشنا شویم با چشمه ساری از کتب احمد الحسن علیه السلام، یمانی آل محمد علیهم السلام

به حاکمیت را تشریح نمودند؛ هرچند این نظریه در سال‌های بعد از آن روشن‌تر شده است.

پس مطالعه این کتاب را از دست ندهید.

اسرار امام مهدی علیه السلام و معارفی که برای روشن شدن هدف خلقت و سلوک الهی مؤمنین مفید است، در کتاب «گزیده‌ای از تفسیر فاتحه»، «متشابهات» در چهار جلد، «توحید»، «سفر موسی علیه السلام به مجمع البحرین»، «پاسخ‌های روشن‌گرانه» در هفت جلد و «نبوت خاتمه» بیان شده است؛ لذا کسی که خواستار عروج در عالم ملکوت و رسیدن به آسمان عقل است باید معانی بلند معرفتی را در این کتب مطالعه کرده و با عمل مخلصانه، آن را به حقیقت بدل سازد.

عمل به احکام شرعی راهی برای تطبیق قوانین الهی است. این احکام که فرع دین است در کتب «شرائع الاسلام» یا «احکام نورانی اسلام» در سه جلد، «پاسخ‌های متفرقه فقهی» در پنج جلد، «پاسخ‌های فقهی (طهارت، نماز، روزه)»، «رساله‌ای در احکام خمس» و «احکام شریعت از طریق پرسش و پاسخ» در سه جلد جمع‌آوری شده است.

ضروری است کسی که به حق مؤمن شده، به تدریج جهت تسلط به فقه دینی اقدام کند؛ زیرا یکی از راه‌های خروج از سرگردانی، تسلط و نشر فقه دینی است.

اما کتابی که برای انصار امام مهدی و اصحاب

سرگردانی امت اسلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و اوج گرفتن آن در دوره غیبت کبرای صاحب الزمان علیه السلام خصوصاً در آخرالزمان، بهانه مهمی برای نگارش اولین کتاب ایشان بود؛ کتابی که شباهت امت اسلام با بنی اسرائیل را مبنا قرار داده و راه خروج از «سرگردانی» را ذکر می‌کند.

نگارش کتاب «سرگردانی یا راه به سوی خدا» و «گوساله» در دوران سه‌ساله دعوت مخفیانه سید یمانی در حوزه نجف اشرف بود؛ اما کتاب دوم با بیانی قاطع‌تر، انحرافات امت اسلام و خصوصاً شیعه را ذکر و زمینه فکری برای اصلاحات علمی امام مهدی علیه السلام را آماده کرد.

کسی که می‌خواهد از اسباب غیبت امام مهدی علیه السلام و سرگردانی امت مطلع شود و راه نجات از آن را بداند، به این دو کتاب مراجعه کند.

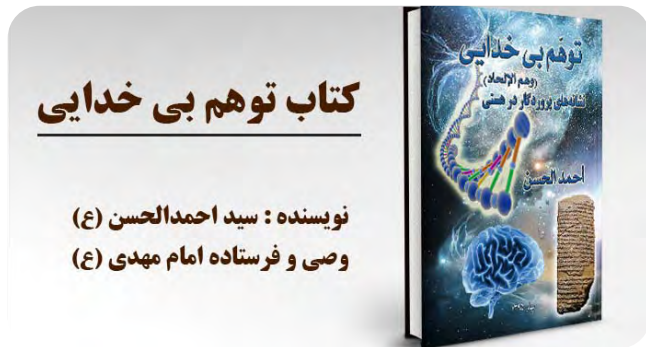
وقتی مردم به قانون الهی چنگ نزنند و حاکمان را خود انتخاب کنند، زمین پر از ظلم و فساد می‌شود. این اتفاق در اسلام، در سقیفه واقع شد و لذا شورای کبری موجب غصب حق علی علیه السلام شد و مردم او را خانه‌نشین کردند؛ این اتفاق در سال ۲۰۰۳ با وصی امام مهدی علیه السلام نیز تکرار شد و علما فتوا به شورای صغری دادند و به دموکراسی آمریکایی مشروعیت بخشیدند و خواستار تسلط قوانین وضعی بشری و تسلط احزاب خرابکار شدند؛ **در نتیجه سید یمانی علیه السلام با نگارش کتاب «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم»، دیدگاه امام مهدی علیه السلام نسبت**

سید احمد الحسن علیه السلام :

شیطان با آنکه در مرتبه یقین بود، بر آدم علیه السلام تکبر ورزید و از فرمان خداوند سرپیچی کرد.

(گوساله، ج ۱)

«توقفگاه‌هایی برگزیده از چشم‌اندازهای سومرو آکد» را به رشته تحریر درآوردند و نظریات جدیدی در مسائل مختلف ارائه کردند. (تعدادی از این نظریات در پایان‌نامه‌های دانشکده لغوی و دینی مهدوی در نجف اشرف تبیین شده است). مطالعه این کتب برای طبقه دانشگاهی بسیار توصیه می‌شود.



مهم‌ترین کتاب اعتقادی ایشان «عقاید اسلام» نام دارد که شخص محقق برای شناخت حقیقت باید آن را مطالعه کند تا با اصلاحات عقیدتی ایشان آشنا شود.

اما کتاب «پیک صفحه» مجموعه‌ای از پیام‌های فیس‌بوک به اضافه پاسخ به کامنت‌هایی است که سید احمد الحسن علیه السلام در صفحه مبارکشان پاسخ داده‌اند. این کتاب مهم‌ترین منبع برای اطلاع از نظرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایشان است. ترجمه فارسی این کتاب به زودی منتشر می‌شود؛ هرچند فقط پیام‌های سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۷ در این کتاب جمع‌آوری شده و بقیه آن در مجلدی دیگر تقدیم می‌شود ان شاء الله.

با مطالعه کتب سید احمد الحسن علیه السلام و هدیه کردن کتب ایشان، فرهنگ کتاب‌خوانی را در جامعه گسترش دهیم.

ایشان ضروری است تا در زندگی رسولانه خود و تبلیغ دعوت حق، از مشکلات خسته نشده، بلکه سختی‌ها را زودتر بشناسند، کتاب «روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان» در سه جلد است. کتابی که با نگاهی به تاریخ رسالت انبیا و مسائل اساسی، «رسولی» مخلص برای امام مهدی علیه السلام تربیت می‌کند.

از اهداف اصلی سید احمد الحسن علیه السلام اصلاح عقیدتی است؛ لذا با نگارش کتب «رجعت»، «سومین روز بزرگ خدا»، «جهاد درب بهشت است»، «بیان حقیقت و راستی با اعداد» در دو جلد، «نصیحتی به طلاب»، «در محضر عبد صالح» و «تفسیر آیه‌ای از سوره یونس» به این مسئله مهم پرداختند.

موضوعات متنوع مذکور در این کتب به حدی جذاب است که انسان دوستدار علم باید به آن‌ها مراجعه کند.

کتاب «وصیت مقدس، نوشتار بازدارنده از گمراهی» اتمام حجتی برای شیعیان بود و انتشار آن مقارن با دعوت رسمی ایشان برای مناظره کتبی با مراجع شیعه بود؛ هرچند تا به امروز کسی به این دعوت، پاسخ مثبت نداده است.

مواجهه با مسیحیان و انتشار خبر ظهور تسلی دهنده و رهایی‌بخش، در کتاب «نامه هدایت»، «وصی و فرستاده امام مهدی در قرآن تورات و انجیل» و کتاب «حواری سیزدهم» به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است؛ لذا مطالعه آن برای رسولان امام مهدی علیه السلام به سویی یک چهارم جهانیان ضروری به نظر می‌رسد.

امروزه مواجهه با خدا ناباوران در نگاه احمد الحسن علیه السلام مهم‌ترین مسئله برای دین الهی است؛ لذا ایشان با دخالت الهی کتاب «توهم بی خدایی» و

سید احمد الحسن علیه السلام :

این ملعون [بلعم بن باعورا] هم با وجود علم و یقینش، به موسی علیه السلام حسادت ورزید و به جای آنکه زیر پرچم او درآید و پیرو او شود، او را نفرین کرد. (گوساله، ج ۱)

نگاهی بر یکی از مصادر تشریع مکتب اصولی شیعه

اجماع چیست؟

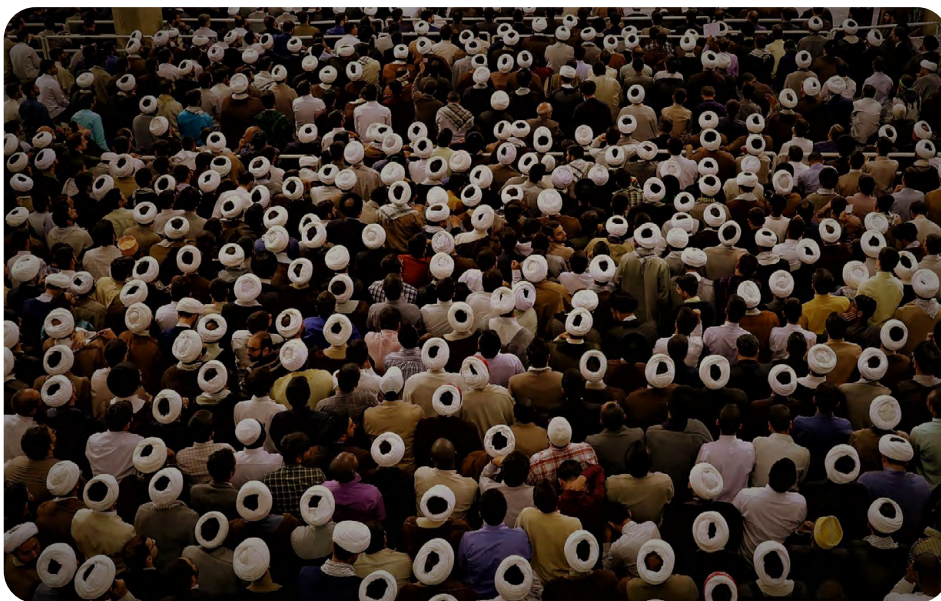
مکتب اصولی شیعه مصادر تشریع را چهار چیز می‌داند و آن‌ها (قرآن، عترت، اجماع و عقل) است؛ باینکه می‌دانیم آنچه به تواتر از پیامبر اکرم نقل شده، این است که مصادر فقط تقلید هستند. رسول خدا ﷺ فرمود: من بین شما دو چیز گران‌بها را ترک می‌کنم که اگر به آن‌ها چنگ بزنید هرگز گمراه نمی‌شوید؛ و آن‌ها کتاب خدا و اهل‌بیت من هستند؛ آن‌ها هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا اینکه در بهشت به من ملحق شوند. یکی از دو چیزی که مکتب اصولی اضافه کرده، اجماع است که از مصادر تشریع آن‌هاست. در این مباحثه علمی به آن می‌پردازیم.

اجماع از کجا آمد؟!

این اصطلاح از کجا آمده و چه کسی آن را آورده و در یکی از مبانی فکری تشیع جای داده است؟! این کیست که اهل‌بیت را به چنین چیزی متهم کرده؟ آیا حتی یک دلیل نقلی

قطعی الدلاله نزد موافقین اجماع برای آن وجود دارد؟ آیا این فقط یک نظر شخصی است یا برگرفته از اهل سنت؟ **علمای شیعه بر این اتفاق نظر دارند که اجماع از اهل سنت گرفته شده است؛ زیرا نه خداوند و نه اهل‌بیت به آن امر نکرده‌اند و آن یک مسئله ظنی است؛** برای احکام یک دلیل و در تعریف اصطلاحی آن اختلاف نظر دارند و هریک از آن‌ها نظر دیگری را اشتباه می‌دانند و مفهوم جدیدی از اجماع می‌گویند و ادعا می‌کنند که همین حق است. پس به این دلیل می‌بینیم علمای

جدید مفهومی را که علمای قدیم از اجماع مدنظر دارند رد می‌کنند؛ هرچند نمی‌گویند ما آن را رد می‌کنیم تا مردم از میزان جهل و نادانی مؤسسات دینی درباره دین الهی آگاه نشوند. می‌گویند: اجماعی که ما آن را حجت می‌دانیم، اجماعی است که نظر معصوم را در نهایت بیان کند و اجماع به خودی خود حجت و دلیل نیست؛ بلکه آنچه در آخر به وسیله آن به دست می‌آید یعنی نظر معصوم حجت است. چطور می‌خواهند نظر معصوم غایب را ثابت کنند؛ آن هم از راه اجماع در مسئله‌ای که



سیداحمدالحسن الرضی :

این علم برای بلعم بن باعورا، وسیله‌ای برای تکبر و حسادت نسبت به موسی السلام شد! و بلعم بن باعورا این علم را تبدیل به نعمت و عذابی کرد که وی را به اعماق جهنم (هاویه) درآنداخت. (گوساله، ج ۱)

است که آن را ترویج می دادند و آن را در افکار شریف مرتضی و دیگر علمای بزرگ شیعه می یابیم که قابل بحث است و از بزرگواران حوزوی خواهشمندیم در این موضع گفت و گو و تحقیق نمایند.

سؤالاتی از اصولیون

الف. تعریف اصطلاحی اجماع چیست و دلیل نقلی تام آن چیست؟

ب. دلیل اختلاف علمای شیعه حتی در تعریف آن، دامنه آن و بیان حجت بودنش چیست؟

ج. چگونه اجماع، ظاهرکننده نظر امام غایب می شود؟ چگونه علما این کشف را درمی یابند و اساس و برهان اثبات قطعی بودن نزد آن ها چیست؟

د. آیا علمای شیعه بر درستی این مسئله اتفاق نظر دارند و آن را به عنوان یکی از راه های تشریع می دانند؟

ه. چطور این فرضیه با فتاوی آنان در خصوص عدم رؤیت امام در زمان غیب، جمع می شود؟! منتظر پاسخ سؤالات هستیم.

(با اقتباس از مقاله استاد جعفر الشیبی)

زیرا از نظر معصوم پرده برداری کرد و به این دلیل شرطی برای اجماع می گذارند و آن مجهول النسب بودن فردی است که نظر حق را بگوید!

زمانی که مراجع تقلید شیعه در نظری اختلاف دارند، برای حل آن به اتاقی برای مشورت می روند و در جمع به نظر افراد مجهول النسب توجه می کنند و بدون هیچ شکی آن را قبول می کنند؛ زیرا گمان می کنند شخصی که او را نمی شناسند خود امام عصر است که آمده به آن ها از جایی که گمان نمی کنند به آن ها درس بدهد. داستان اول تمام شد!

تصور نکنید که من در این موضوع مبالغه می کنم؛ چون این مسئله یکی از چیزهایی

دلیلی برای آن از قرآن و احادیث نیافته اند!

قصه ای در شرح اجماع

وقتی علمای شیعه در جواب مسئله شرعی متحیر بمانند، کنار هم می نشینند و درباره آن بحث علمی و فقهی می کنند، که ناگهان نظری می شنوند و می گویند بله این درست است و این همان حق است، و پس از پایان جلسه و جدایی از یکدیگر به یاد صاحب نظر درست می افتند که در جلسه آن ها نشسته بود، ولی او را نمی شناختند. در آن زمان می فهمند که آن فرد مجهول بلاشک خود امام عصر علیه السلام بودند، ولی او را نشناختند؛ پس از آن حکم آن ها حجت می شود؛



سید احمد الحسن علیه السلام :

علم رحمتی است که عمل کنندگان به آن به خدا می رسند. (گوساله، ج ۱)

آیید تا حیات یابید. ۴۰ جلال را از مردم نمی پذیرم. ۴۱ ولکن شما را می شناسم که در نفس خود محبت خدا را ندارید. ۴۲ من به اسم پدر خود آمده ام و مرا قبول نمی کنید، ولی هرگاه دیگری به اسم خود آید، او را قبول خواهید کرد. ۴۳ شما چگونه می توانید ایمان آرید؛ حال آنکه جلال از یکدیگر می طلبد و جلالی را که از خدای واحد است طالب نیستید؟ ۴۴ گمان مبرید که من نزد پدر بر شما ادعا خواهم کرد. کسی هست که مدعی شماست و آن موسی است که بر او امیدوار هستید. ۴۵ زیرا اگر موسی را تصدیق می کردید، مرا نیز تصدیق می کردید؛ زیرا او درباره من نوشته است. ۴۶ اما چون نوشته های او را تصدیق نمی کنید، پس چگونه سخنان مرا قبول خواهید کرد.». (یوحنا، باب ۵)

متأسفانه بسیاری از مسیحیان راه تقلید از علمای خود را در پیش گرفته اند - علمایی که بر کرسی عیسی تکیه زده اند و کتب را بر حسب رأی خود تفسیر می کنند و متأسفانه هنگامی که عمل آنان با عمل یهودیان که تقلیدکننده علمای خود هستند و عیسی را انکار می کنند، مقایسه کنیم، می بینیم که بین آنان فرقی وجود ندارد؛ به عنوان مثال نحوه اتهام زدن آنان. اما هر مسیحی حق طلبی بدون شک به حقانیت احمدالحسن اقرار می کند؛ چراکه دلایل او را بسیار می بیند و انصافش این اجازه را نمی دهد که او را انکار کند.

در انتهای این مقاله، از هر مسیحی منصفی می خواهیم در این آیات به خوبی تأمل کند: (۵) به تمامی دل خود بر خداوند توکل نما و بر عقل خود تکیه مکن. ۶ در همه راه های خود او را بشناس، و او طریق هایت را راست خواهد گردانید. ۷ خویشتن را حکیم مپندار، از خداوند بترس و از بدی اجتناب نما. (امثال، باب ۳)

تعمید دهنده می پرسیدید؟ (لیکن فریسیان و فقها اراده خدا را از خود رد نمودند؛ زیرا که از وی تعمید نیافته بودند). (لوقا ۷: ۳۰)



هرگز نباید فراموش کنید که نه اسمی از او در عهد قدیم وجود دارد و نه نام شهر او بیان شده است و نه ... و نه ... حتی در انجیل نیز می خوانیم: (۴۰) و باز به آن طرف اردن، جایی که اول یحیی تعمید می داد رفت و در آنجا توقف نمود. ۴۱ و بسیاری نزد او آمده، گفتند که یحیی هیچ معجزه ننمود و لکن هرچه یحیی درباره این شخص گفت، راست است. (یوحنا، باب ۱۰)

از مسیحیان می خواهیم انصاف پیشه کنید و نصوص روشنی را که در کتاب مقدس در حقانیت احمدالحسن بیان شده است با یحیی مقایسه نمایید؛ آیا انصافتان این اجازه را به شما می دهد که احمدالحسن را که نصوص مربوط به او در کتاب مقدس بیشتر و روشن تر از یحیاست و صفات و القاب و کنیه او و وضعیت دعوتش و محل سکونتش به دقت در پیشگویی ها ذکر شده است، انکار نمایید؟! اگر چنین باشد حاصل یک تعصب کور است! زیرا کسی که احمدالحسن را انکار کند، یعنی تمامی انبیای خدا را انکار کرده است.

(۳۸) «کتب را تفتیش کنید، زیرا شما گمان می برید که در آن ها حیات جاودانی دارید؛ و آن هاست که به من شهادت می دهد. ۳۹ و نمی خواهید نزد من

سید احمد الحسن (علیه السلام):

حاکم ستمگر (هیرودوس) یحیی (علیه السلام) را دستگیر و مدتی طولانی پیش از به قتل رسانیدنش به زندان انداخت؛ اما عالمان یهود هیچ حرکتی نکردند و حتی بسیاری از آن ها با شادی فراوان از این واقعه استقبال کردند. (گوساله، ج ۱)

یاری حجت خدا در فضای مجازی

سید ایمان دارند... ولی شوهرم و خانواده‌اش ایمان ندارند... آیا ایشان و خانواده غیرمؤمنش را ترک گویم؟... با توجه به این نکته که هیچ نوع آشنایی و شناختی از عراق ندارم... با توکل به خدا آنجا بروم و او کارهایم را تدبیر می‌کند... آیا این صحیح است؟ آیا لازم است از خود سید احمد بپرسم؟



می‌ترسم به من، همان سخنی را بگوید که حسین علیه السلام به نافع گفت که این شب را شتری بگیر... یا همان طور که ایشان به جون فرمود...
مولای من، احمد، خداوند شما

وقتی خویی را به اجبار خانه‌نشین کرده بودند، چه کاری بایستی انجام می‌دادم؟

آیا باید منتظر دستور امام علیه السلام باشم؟

یا مانند زمان امام کاظم علیه السلام منتظر دستورات مراجع باشم؟ همان کسانی که او را تنهانش گذاردند؟ یا می‌توانم به صورت انفرادی مقابله کنم؟

آیا در حال حاضر صحیح است خانه و خانواده‌ام را برای ملحق شدن به مولایم احمد، ترک گویم؟

از نظر تبلیغی، اکنون چه کاری باید انجام دهم؟ تقریباً بیشتر کسانی را که در توانم بود، تبلیغ کرده‌ام؟

می‌خواهم مولایم را یاری دهم و تنهانش نگذارم؟ اما چگونه؟

می‌خواهم گناه ترک کردن و تنها گذاشتن امام را جبران کنم؛ چه کاری باید انجام دهم؟ چشم انتظار پاسخی روشن هستم؛

چراکه من پاسخ صحیح را مقابله به شکل انفرادی می‌دانم و اینکه برای پیوستن به امام، بلیت عراق بگیرم؛ بدون آگاه کردن خانواده، شوهر یا اهل و عیال. خانواده‌ام به

یکی از مسائل مهم برای زنان در یاری حجت خدا، حفظ کرامت آنان است؛ چراکه در جامعه امکان دارد دچار مشکلاتی بشوند و از سوی دیگر یاری حجت زمان را هم نمی‌توان ترک کرد.

راه حل این مشکل را در پاسخ یمانی موعود سید احمد الحسن علیه السلام به یکی از خواهران انصاری می‌خوانیم: بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا. سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما ای انصار خدا و بر آنان که دوستشان دارید!

آیا یاری دادن امام به صورت انفرادی است؟ من به عنوان یک زن، به عنوان مثال با شنیدن خروج حسین علیه السلام برای جنگ، چه کار واجبی باید انجام بدهد؟ به عنوان یک زن اگر در زمان امام کاظم علیه السلام باشم و بفهمم امامم در زندان است، چه کاری باید انجام دهم؟

وقتی باقر صدر را زندانی کردند و من در شهر دیگری بودم، انجام دادن چه کاری بر من برای یاری او واجب بود؟

سید احمد الحسن علیه السلام:

جبهه باطل در مواجهه با عیسی علیه السلام بسیار گسترده بود؛ این جبهه شامل علمای بنی اسرائیل، قوم یهود که با ادعاهای باطل، او را کوچک می‌شمردند، و حاکم کافر پیلطس و سپاهیان او بود. (گوساله، ج ۱)



دیگری است که با استفاده از آن بتوان حق را برای هدایت و نجات به مردم رسانید. این همان راهی است که فاطمه زهرا علیها السلام، زینب علیها السلام، خدیجه و آسیه و مریم علیهم السلام در پیش گرفتند.

برای شما در بهترین زنان جهانیان، الگویی نیکوست؛ به سیره مبارک و پاک آن‌ها اقتدا کنید، با این امید که خداوند شما را مورد مرحمت قرار دهد و به شما برکت عطا کند؛ همان طور که به ایشان رحم نمود و برکت داد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

احمدالحسن، صفر ۱۴۳۳ق

«پاسخ‌های روشن‌گرانه، جلد ۷، سؤال ۸۰۲»

در هر زمان، محقق می‌شود. یاری کسی غیر از خلیفه خداوند در زمینش حتی اگر به حق دعوت کند، واجب نیست: (یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِن تَتَّصِرُوا لِلَّهِ یُنْصِرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ) (محمد: ۷)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار خواهد نمود).

یاری دادن خلیفه و جانشین خداوند در زمین بر یک زن با کاری که گمان می‌کند باعث از بین رفتن کرامتش می‌شود یا مانند جهاد و برخی از مسائل امر به معروف و نهی از منکر، در به انجام رسانیدن آن ناتوان می‌شود، واجب نیست. خداوند در هر خیری توفیقتان دهد. به طور کلی بهترین راهی که در حال حاضر برای یک زن جهت

یاری دادن حق امکان‌پذیر است، تبلیغ از راه اینترنت یا هر ابزار

را رحمت کند، مسئله را برایم روشن فرما. از خداوند درخواست توفیق دارم و از خداوند، برایم درخواست توفیق فرمایید... یا اصلاً هنگام این پرسش فرانسیده است؟ و جزو مسائلی است که اگر برایتان آشکار شود، شما را ناراحت می‌کند؟ مولای من، ای احمد، ای فرزند سروران مطهر، چرا صدایت می‌زنم و پاسخی نمی‌دهی؟ و چه چیز شما را از ما باز می‌دارد... آیا سختی‌ها شما را از ما باز می‌دارد؟ یا قله‌ها؟ چنین چیزی از شما به دور است که شما همیشه مهربان بودید. خدایا! می‌خواهم ولیّ تو را یاری دهم؛ پس مرا در این کار، توفیق عطا فرما و به آنچه دوست می‌داری و راضی هستی، موفق گردان. آیا طرز فکر بنده روشن شد؟ فرستنده: خادم شما، خاکزاد

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسلیماً کثیراً.
از خداوند خواهان توفیق و تسدید برای شما هستم.

یاری دادن واجب بر مکلف، همان یاری خداوند سبحان است که با یاری خلیفه و جانشین او در زمینش

سید احمد الحسن علیه السلام:

با گذشت روزها پیروان عیسی علیه السلام بیشتر شدند و آن‌ها همانند پیروان سایر پیامبران، از بی‌نویان و مستضعفان بودند، یا همان گونه که دشمنان انبیا ایشان را می‌نامند: «فرومایگان قوم ما، افراد ضعیف‌الرأی». (گوساله، ج ۱)



انبیا و اولیای الهی از چه طریقی خداوند را تصدیق می‌کنند؟

طریق وحی در شناخت خدای سبحان

سپس از روی عناد و لجبازی، به کسانی که می‌شنوند بگویند چیزی پشت دیوار نیست؛ چون لازم است اول گوش خود را باز کنم و سعی کنم بشنوم و در آن هنگام اگر آنچه آن‌ها شنیدند را نشنیدم، می‌توانم حکم به این بدهم که چیزی پشت دیوار وجود ندارد.



در حقیقت، طریق وحی راه برتر و شریف‌تری است و آغازش تصدیق به وجود حقیقت (خدای سبحان) است؛ ولی به مراحل بعد از تصدیق یعنی معرفت که علت آفرینش است نیز کشیده می‌شود. (۱) آغاز این راه از

برخی از مردمان فکر می‌کنند تنها طریق اثبات وجود خداوند سبحان اقامه دلیل و برهان عقلی است؛ یعنی تنها راه اثبات خداوند غایب شاهد را دلیل‌آوری عقلی می‌دانند؛ مانند دلایلی از قبیل «عدم، مولد نیست»، برهان نظم و ...

اما حقیقت امر خلاف این باور است؛ چراکه طریق انبیا و اولیای الهی در شناخت خداوند سبحان، طریق وحی است یعنی شنیدن از آن وجود غایبی که متفکرین در پی اثبات وجود آن از طریق مخلوقاتش هستند.

در خصوص روش وحی در شناخت خداوند، سید احمد الحسن چنین می‌نویسند:

«(قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا) (کهف، ۱۱۰) (بگو که من فقط بشری مثل شما هستم؛ به من وحی می‌شود که خدای شما خدای یکتاست؛ پس آن‌که امید به لقای پروردگارش دارد باید عمل شایسته انجام دهد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک قرار ندهد).

هر انسانی باید این را بفهمد که منطقی نیست گوشش را از شنیدن صدای پشت دیوار ببندد و

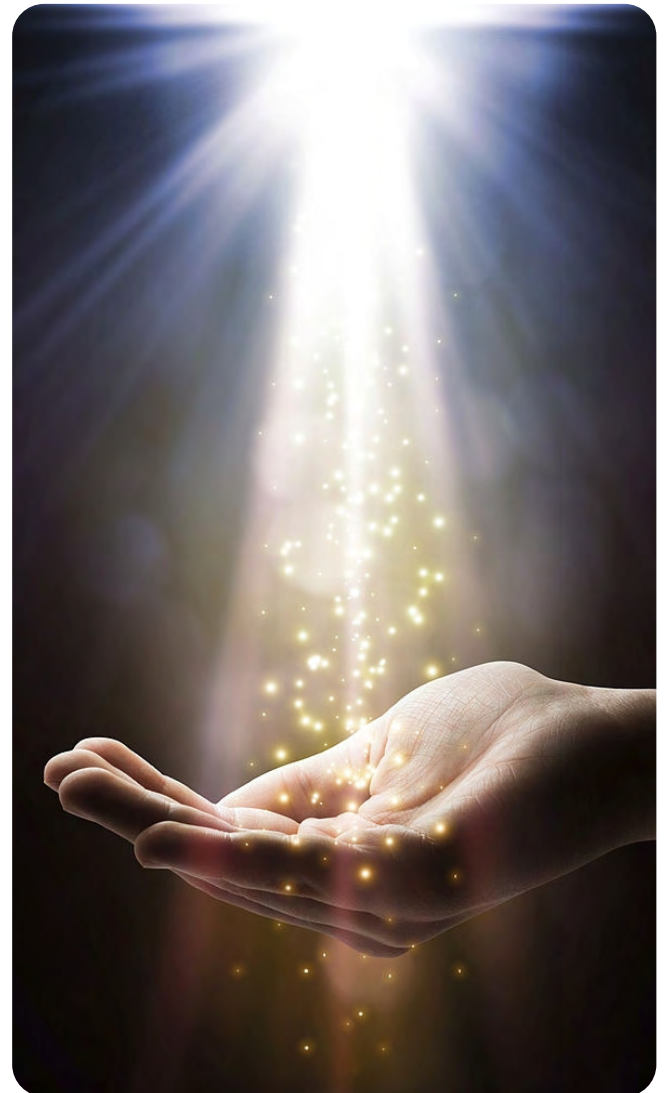
سید احمد الحسن علیه السلام:

علمای بنی اسرائیل شروع به توطئه برای قتل عیسی علیه السلام کردند؛ با این بهانه که او مدعی پادشاهی است و پیروانش فراوان شده‌اند و این باعث می‌شود رومی‌ها به قوم یهود هجوم آورند و کار را بر ایشان یکسره کنند. (گوساله، ج ۱)



این همان طریق انبیا و اولیای الهی است؛ و فرض آن است که همه فرزندان آدم باید همین طریق را بپیمایند؛ اما متأسفانه آن‌ها از خداوند رو برمی‌تابند، و در حالی که خداوند آن‌ها را فرامی‌خواند، مشغول دنیا شده و غافل می‌شوند و چه بسا اعمال خبیثی مانند دشمنی با اولیای الهی را انجام دهند تا زنگار، همه دلشان را فراگیرد و در نتیجه چیزی نشوند و چیزی درک نکنند: (كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) (مطففین، ۴) (چنین نیست، بلکه آنچه می‌کردند دلشان را چون زنگار در برگرفته است).» [۱]

آمادگی برای شنیدن حقیقت شروع می‌شود، پس از آن به وسیله تجرد و اخلاص برای آن حقیقتی که این جهان را به وجود آورده تا جایی می‌رسد که روح انسان مستقیماً از آن حقیقت حکیم می‌شنود و برایش وجود و حکمت ثابت می‌شود و از آن به بعد، سفر خود را به سمت معرفت آغاز کند؛ به این ترتیب از خدا و رسولانش از طریق وحی در رؤیا و کشف می‌شنود؛ بلکه کار به جایی می‌رسد که انسان حتی صدای جمادات را هم می‌شنود. (۲)



(۱). (وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (ذاریات، ۵۶) (جن و انس را نیافریدم مگر برای این که مرا پرستند)، یعنی مرا بشناسند.
(۲). جمادات یا به طور کلی همه مواد، منشأ حیات باکتریایی و گیاهی و حیوانی هستند. همچنین همه مظاهر حیات (نسخ و رشد و حرکت) اگر در حدود همین عالم مادی به آن‌ها نگریسته شود، چیزی جز عملیات شیمیایی نیستند و در نتیجه تفاوت حقیقی بین نبات و حیوان و باکتری و جماد وجود ندارد و تفاوت تنها در نوع ترکیب این مواد است؛ به گونه‌ای که آن ماده را شایسته عملیات تولید مثل (تبدل و تغیر) و نتایج عملیات تکامل می‌کند.

منبع:

۱. سید احمد الحسن علیه السلام، عقاید اسلام، ترجمه فارسی، صفحه ۱۲ و ۱۳.

سید احمد الحسن علیه السلام:

حال که ما سرگذشت این پیامبران بزرگوار علیهم السلام را بررسی کردیم، باید باور کنیم که باطل هر چقدر هم که برتر باشد همچون کف روی آب است و به کمترین تلاطمی ناپدید خواهد شد. (گوساله، ج ۱)



اجبار بدون مجوز

اجبار کردن نوجوان به نماز خواندن، او را متذکر نمی‌کند

این نماز برای تقرب به خداست یا برای تقرب به بنده خدا؟!!

از سید احمد الحسن علیه السلام درباره حجاب اجباری که برخی دولت‌ها به کار می‌برند پرسیده شده و ایشان این چنین پاسخ داده‌اند:

«این‌ها دین را وارونه درک کرده‌اند و با این کارهای نادرستشان، به دین بدی می‌کنند و به نام اسلام و تشیع و آل محمد لطمه وارد می‌کنند؛ زیرا محمد رسول خدا هیچ کس را برای پوشیدن حجاب مجبور نکرد و خداوند سبحانه و تعالی هیچ کس را برای پوشیدن حجاب یا دین‌داری یا عبادت مجبور نکرد؛ بلکه دین خود را بر پیامبرش نازل نمود و بهشت را به کسانی که ایمان می‌ورزند و به عبادت التزام داشته باشند، وعده داد.

عبادت بدون نیت، ارزشی ندارد و حجاب، عبادت و اطاعت از دستور خدا و پیغمبر است؛ پس باید نیت قربت به خداوند سبحانه و تعالی محقق شود. پس کجاست نیت کسی که به زور او را مجبور به حجاب می‌کنند؟! اما اجبار زنان غیرمسلمان بر حجاب، از این هم قبیح‌تر

نماز دارد و به تناسب حضور قلب، نماز پذیرفته می‌شود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ لَتَرْفَعَ لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ نَصْفَهَا أَوْ ثُلُثَهَا أَوْ رُبْعَهَا أَوْ خُمُسَهَا وَمَا يُرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ»

«همانا از نماز انسان، نصف، یک‌سوم، یک‌چهارم یا یک‌پنجمش بالا برده می‌شود و آن مقداری از نماز بالا برده می‌شود که توجه قلبی داشته باشد.» (بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۸)

با این اوصاف که نماز باید با حضور قلب و برای تقرب به خدا خوانده شود و نمازی که در آن غفلت است و در آن توجهی وجود ندارد مورد قبول خدا واقع نمی‌شود، آیا اجبار دانش‌آموزان به خواندن نماز صحیح است؟!!

ثمره نماز اجباری چیست؟

در تمام تکالیف و اعمال عبادی، تقرب به خدا شرط اول برای قبولی آن‌ها دانسته شده است.



معضلات مدارس

خانواده نسبتاً مذهبی دارم که واجباتشان ترک نمی‌شود. نماز را از سر اجبار، آخر وقت می‌خوانم، ولی هیچ حسی به آن ندارم. فقط ترسی در وجود من هست که چون واجب است اگر نخوانم گرفتار بلا خواهم شد و در آخرت باید تاوان پس بدهم. نماز برای من شده گفتن چند جمله عربی که معنای آن را هم نمی‌دانم و فقط برای رفع تکلیف می‌خوانم.

معضلات

اجبار در مدارس، چرا؟!!

معضلات اجتماعی را می‌بینیم که ریشه در روش‌های تربیتی غیردینی توسط افراد دخیل و مؤثر در امر تربیت دارد.

در سال‌های اخیر شاهد قراردادن زنگ نماز در مدارس بودیم که دانش‌آموزان را در برخی مناطق برای حضور در نماز مجبور کردند.

هدف از خواندن نماز چیست؟

احادیث فراوانی در این باره نقل شده که همه بر این مطلب تصریح می‌کنند که میزان قبولی نماز، بستگی به میزان حضور قلب در

سید احمد الحسن علیه السلام:

حق هر قدر هم که باطل سعی در پوشانیدنش داشته باشد، باقی خواهد ماند و همچون آب زیر کف، مردم را بهره‌مند خواهد ساخت. (گوساله، ج ۱)



نماز جماعت همراه با والدینش نکنید. آرام آرام او را تشویق کنید که دو رکعت نماز به تنهایی بخواند و در آن برای رفع نیاز معینی دعا کند و هنگامی که احساس کند نیازش برآورده شده است، ارتباطش با خدا قوی می شود و ایمان آرام آرام در قلبش رسوخ می کند....

خدا را در همه چیز به یاد آن ها بیاورید. هنگامی که با هم درگیر می شوند به عنوان مثال به یکی از آن ها بگویید: با برادر یا خواهرت به نرمی رفتار کن تا خداوند تورا مثل انبیا سلام و صلوات خداوند بر آن ها قرار دهد؛ و این گونه اخلاق پاک را در جان هایشان زنده و در عین حال کمال طلبی را نیز برایشان احیا کنید.

اگر یکی از آن ها کار خوبی کرد به عنوان مثال نماز خواند یا طاعتی انجام داد به او تبریک و سخن نیکو بگویید و بگویید: خداوند به تو عطا می کند، تورا مبارک می دارد و در حضور ملائکه اش از تو یاد می کند. همچنین می توانید برنامه روزانه برای آن ها تنظیم کنید؛ مثلاً یک ساعت یا نیم ساعت برای حفظ سوره های کوچک قرآن، به این صورت که هر روز آن ها به دنبال شما بخوانند و به مرور سوره ها را حفظ خواهند کرد....»

پاسخ های فقهی متفرقه، جلد ۳، پرسش ۱۴۸

بده. همانا تو تذکر دهنده ای). (غاشیه، ۲۱)

(نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ)

(ما به آنچه آن ها می گویند آگاه تریم، و تو مأمور به اجبار آن ها به ایمان نیستی؛ پس به وسیله قرآن، کسانی را که از تهدید من می ترسند، بیم ده). (ق، ۴۵)

وظیفه تو همین است. پس باید اجبار را ترک و به جای آن یاد خدا را در دل های آن ها زنده کرد و با گفتن و یادآوری آثار نماز و فواید آن، دانش آموزان را به نماز تشویق کرد و قطعاً دانش آموز باید به معرفت خداوند برسد تا شیفته خداوند شود، نیاز به نماز خواندن را درک کند و به نماز بایستد.



سید احمد الحسن علیه السلام در پاسخ به سؤال تربیتی یکی از مخاطبینشان این گونه می فرمایند:

«اما در مورد امور دینی، به عنوان مثال کودک را وادار به بیشتر از

است.» (صفحه رسمی فیس بوک، ژوئیه ۲۰۱۸)



برای بازدید از صفحه فیس بوک قلم اصحاب احمد الحسن علیه السلام کلیک کنید
همچنین خداوند در قرآن بیان فرموده که در دین اجباری نیست: (لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ) (بقره، ۲۵۶)
همچنین می فرماید:

(قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَأَتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ) (نوح به قوم خود گفت: ای قوم من، به من بگویید، اگر از طرف پروردگارم حجتی روشن داشته باشم و مرا از نزد خود رحمتی بخشیده باشد که بر شما پوشیده است، آیا ما [باید] شما را در حالی که بدان اکراره دارید، به آن وادار کنیم؟). (هود، ۲۸)

خداوند که رب و پرورش دهنده جهانیان است در ایمان آوردن مردم از اجبار و زور استفاده نمی کند، چه برسد به انجام تکالیفشان.

چگونه نماز را در وجود دانش آموزان نهادینه کنیم ؟ !

اما آیا چون اجبار در دین نیامده، پس دانش آموز را به حال خود رها کنیم، هرچه بادا باد؟! نه، این چنین نیست. خداوند در قرآن می فرماید: (فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ) (پس تذکر

سید احمد الحسن علیه السلام:

محمد صلی الله علیه و آله بدعتی در میان فرستادگان نبود. دعوت همه انبیا و اوصیا علیهم السلام با پذیرفته شدن از طرف علمای دین و بزرگان جامعه ای که در آن مبعوث شده بودند، مواجه نشد.

(گوساله، ج ۱)

احکام شرعی مربوط به معلم و دانش آموز

کمک به دانش آموز در امتحان

آیا برای معلم یا مدرس جایز است که در امتحانات نهایی یا ... برخی یا جزئی از پاسخ را به برخی از دانشجویان کمک کند یا بیان نماید؟ و آیا این مسئله در حلال نمودن یا حرام نمودن حقوقی که می گیرند، تأثیر دارد؟



... جایز نیست این کار را انجام دهد؛ بلکه باید بر اساس قوانین مؤسسه آموزشی که در آن مشغول است کار کند.



سید احمد الحسن علیه السلام، صفحه رسمی فیس بوک

رشوه به معلم

آیا برای دانش آموز جایز است که به معلم، پول و رشوه بدهد تا در امتحان به او نمره بدهد؟



این مسئله جایز نیست.



گروه فقهی مکتب سید احمد الحسن علیه السلام در نجف اشرف، ۱۱ رجب ۱۴۴۱

سید احمد الحسن علیه السلام :

پيامبر صلی الله علیه و آله در مکه، شهر امّ القری مبعوث شد؛ شهری که مردم به سويش حج می گزاردند؛ شهری که تمثيل مرجعیت دینی احناف (یکتاپرستان) به شمار می رفت. (گوساله، ج ۱)



مدارس مختلط

آیا فرستادن دختران یا فرزندان به مدارس مختلط جایز است؟ با توجه به اینکه مدارس جداگانه‌ای نیز وجود دارد؛ اما این عمل، با توجه به سطح تعلیم و تربیت دانش‌آموزان آن‌ها انجام می‌شود.



در آموزش دوره ابتدایی یعنی شش سال اول اشکالی ندارد؛ اما در سطوح بعدی و مخصوصاً در سال‌های نزدیک بلوغ، بهتر است تا جایی که امکان دارد از این مسئله دوری شود.



سید احمد الحسن رحمته‌الله، پاسخ‌های روشنگرانه، جلد هفتم، سؤال ۶۹۱

کتک زدن دانش‌آموز

آیا کتک زدن برای آموزگار جایز است؟ آیا به اجازه پدر نیاز دارد؟ آیا پدر می‌تواند به آموزگار این اجازه را بدهد؟



...زدن کودک توسط آموزگار جایز نیست.



سید احمد الحسن رحمته‌الله، پاسخ‌های روشنگرانه، جلد هفتم، سؤال ۷۱۰

سید احمد الحسن رحمته‌الله :

ای کاش محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را آسوده می‌گذاشتند تا مردم را به سوی خداوند سبحان بخشایند؛
مهربان فراخواند؛ اما دریغا که او را آسوده گذارند. (گوساله، ج ۱)



با خدا باش و همیشه خدا را یاد کن

دل قصد رفتن کرد

به سمت

نوری که از ظلمت برهاندش.
می کردم! به کدام سو حرکت می کردم!
که هر طرف ظلمتی بود پس از تاریلی.

پای دل می لرزید

نه نشانی نه نشانگری

با ناامیدی سر به زانو نهادم

خسته و دل شکسته

ناگهان گرمای دستی روی شانم

امید درونم را بیدار کرد

و فرمود:

با خدا باش و همیشه خدا را یاد کن و در فضای رحمت خدا، این
فضای گسترده آزادی حقیقی، شناور باش و صندوق را بشکن.



آیات و روایاتی که نشان می‌دهد انتخاب خلیفه با خداست، نه شورا!

خلافت الهی داوود علیه‌السلام در قرآن: (يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ ...) (ای داوود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن ...) (ص، ۲۶) و داوود علیه‌السلام به مقام خلافت الهی رسید تا جانشین خداوند در میان مردم باشد.



خلیفه‌الله المهدی در روایات اهل سنت

أخبرنا أبو عبد الله الصفار، ثنا محمد بن إبراهيم بن أرومة، ثنا الحسين بن حفص، ثنا سفيان، عن خالد الحذاء، عن أبي قلابة، عن أبي أسماء، عن ثوبان رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: (يقتل عند كنزكم ثلاثة كلهم ابن خليفة ثم لا يصير إلى واحد منهم، ثم

الله في الذين خلوا من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلاً) (این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ‌گونه تغییر نخواهی یافت!) (احزاب، ۶۲) خلافت الهی آدم علیه‌السلام در قرآن: (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ)

(و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت، [فرشتگان] گفتند: آیا در آن کسی را خلیفه و جانشین می‌گماری که در آن فساد می‌انگیزد، و خون‌ها می‌ریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم. فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.) (بقره، ۳۰) همان طور که از ظاهر آیه مشخص است اعتراض ملائکه به دلیل فساد نوع بشر در زمین بود و آدم علیه‌السلام خلیفه‌ای میان اهل زمین است.

سید احمد الحسن علیه‌السلام در کتاب عقاید اسلام می‌فرماید: «اگر دین خدا را به شکل کتابی تصور کنیم و صفحه اول آن را باز کنیم و ببینیم که در آن نوشته است آدم خلیفه خداست، صفحه وسطش را باز کنیم و ببینیم که در آن نوشته باشد داوود خلیفه خداست و صفحه آخرش را بکشاییم و ببینیم که در آن نوشته شده باشد مهدی خلیفه خداست، از این کتابی که اول و وسط و آخرش خلیفه خدا دیده می‌شود، چه چیزی می‌توانیم بفهمیم؟ این کتاب درباره چه چیزی سخن می‌گوید؟ آیا واقعاً روشن نیست که همه این کتاب از خلیفه خدا سخن می‌گوید؟ آیا اکنون واضح نشده که تنصیب خلیفه خدا یک سنت همیشگی الهی در این زمین بوده و هست؟ می‌دانیم که سنت خدا تغییر و تبدیلی ندارد و امکان ندارد که زمان از خلیفه خداوند در زمین خالی بماند. اکنون برای کسی که طالب حق باشد آیا کاملاً واضح نیست که دین خدا همان خلیفه خداست؟» در سنت الهی تبدیلی نیست: (سُنَّةٌ

سید احمد الحسن علیه‌السلام :



اگر از ابوذر رضي الله عنه پرسیم این همه درد و مصیبت‌ها که در طول زندگی با آن مواجه بودی از چه رو بود؟ به این معنا خواهد گفت: حبیب رسول خدا ﷺ به من فرمود: ای ابوذر، حق را بگو! من حق را گفتم و حق برایم هیچ دوستی باقی نگذاشت. (گوساله، ج ۱)

(ستطلع الرايات السود من قبل خراسان! فأتوها ولو حبوا على الثلج، فانه خليفة الله تعالى المهدي).

السيوطي - الدر المنثور - الجزء: (۶) - رقم الصفحة: ۵۸.

رسول الله ﷺ فرمود: «پرچم‌هایی سیاه از خراسان بر شما خارج می‌شوند! پس به طرف آنها برای یاری سینه‌خیز بروید، زیرا خليفة الله تعالى، مهدي در آن است.»

أخبرنا الحسين بن يعقوب بن يوسف العدل، ثنا يحيى بن أبي طالب، ثنا عبد الوهاب بن عطاء، أنبأ خالد الحذاء، عن أبي قلابة، عن أبي أسماء، عن ثوبان رضي الله عنه قال: (إذا رأيتم الرايات السود خرجت من قبل خراسان فأتوها ولو حبوا فإن فيها خليفة الله - المهدي). (هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه).

مستدرک الحاكم - کتاب الفتن والملاحم - رقم الحديث: ۸۵۳۱ - المتقي الهندي - كنز العمال - الجزء: (۱۴) - رقم الصفحة: ۲۶۱ / ۲۶۲.

رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه پرچم‌های سیاه را مشاهده نمودید که از جانب خراسان خروج کردند، آنها را همراهی کنید؛ زیرا خليفة الله مهدي در میان

می‌گوید سپس حضرت چیزی فرمود که آن را به خاطر ندارم). آنگاه فرمود: «هنگامی که آن پرچم‌ها را دیدید به هر وسیله‌ای که می‌توانید هرچند از روی یخ بگذرید، خود را به آنها رسانده و با ایشان بیعت کنید؛ زیرا او خلیفه خدا، مهدي است). (این حدیث صحیح است؛ با شرط صحیح بخاری و صحیح مسلم)

حدثنا وكيع عن شريك عن علي بن زيد عن أبي قلابة عن ثوبان قال: قال رسول الله ﷺ: (إذا رأيتم الرايات السود قد جاءت من خراسان فأتوها فإن فيها خليفة الله المهدي). مسند أحمد - باقي مسند الأنصار - ومن حديث ثوبان رضي الله عنه - رقم الحديث: ۲۱۳۵۳. نعيم بن حماد - الفتن - الرايات السود. رسول الله ﷺ فرمود:

«هرگاه پرچم‌های سیاه را مشاهده نمودید که از جانب خراسان به حرکت درآیند، آنها را همراهی کنید؛ زیرا خليفة الله مهدي در میان آنهاست.»

تطلع الرايات السود قبل المشرق فيقاتلونكم قتالا لم يقاتله قوم ثم ذكر شيئا فقال: إذا رأيتموه فبايعوه ولو حبوا على الثلج فإنه خليفة الله المهدي).

(هذا حديث صحيح على شرط الشيخين). مستدرک الحاكم - کتاب الفتن والملاحم - رقم الحديث: ۸۴۳۲. ابن ماجه - الفتن - خروج المهدي - رقم الحديث: ۴۰۷۴. الطبراني - المعجم الأوسط - الجزء: (۱) - رقم الصفحة: ۹۴. المتقي الهندي - كنز العمال - الجزء: (۱۴) - رقم الصفحة: ۲۶۷.

از ابی اسماء رحبی، از ثوبان و او از رسول الله ص روایت کرده که حضرت فرمود: «در کنار گنجینه شما جنگی میان سه نفر از فرزندان پادشاهان اتفاق می‌افتد که هیچ‌یک در آن به پیروزی نمی‌رسند؛ سپس از سمت مشرق پرچم‌های سیاهی پدیدار می‌شوند و با شما



سید احمد الحسن علیہ السلام:

خوشا به حالت ای ابوذر! زندانبان‌هایت خوار و ذلیل شدند. آنها تو را نکشتند، بلکه تو آنان را کشتی. آنها در زندگی، مردگانی متحرک بودند، اما تو تا امروز در قلب‌های مؤمنان زنده‌ای. (گوساله، ج ۱)

(و گفتند چرا معجزه‌ای از پروردگارش برای ما نمی‌آورد؟ آیا دلیل‌های روشنی که در کتب پیشین آمده، به آن‌ها نرسیده است؟) (طه، ۱۳۳)

(الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)

(همانان که از این فرستاده اُمّی - که نام او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند- پیروی می‌کنند؛... پس مؤمنین به او که او را بزرگ می‌دارند و یاری‌اش می‌کنند و از نوری که با او نازل شده تبعیت می‌کنند آنان رستگاران‌اند). (اعراف، ۱۵۷)

و در سنت پروردگار تبدیل و تغییری نخواهد بود:

(سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) (این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ‌گونه تغییر نخواهی یافت!) (احزاب، ۶۲)

که در آخرالزمان قیام می‌کند و از فرزندان فاطمه است و در احادیث ثابت شده است که از مشرق خروج می‌کند و در مکه بین رکن و مقام با او بیعت می‌شود. »

۱. در روایات فوق از لفظ خلیفه‌الله برای مهدی استفاده شده است؛ پس درمی‌یابیم که لاجرم او با تنصیب خدای سبحان مبعوث می‌شود؛ همان گونه که در سابق خلیفه‌الله آدم و خلیفه‌الله داوود با نصب مستقیم خدای سبحان مبعوث شدند.

پس آیا با این اوصاف عاقلی پیدا می‌شود که بگوید شورا یا مردم، خلیفه یا حاکم را انتخاب و تعیین می‌کنند؟! همان طور که اهل سنت چنین اعتقادی دارند!

۲. خلیفه‌الله بودن مهدی به وضوح بیان می‌دارد که او به مانند دیگر خلفای الهی سابق، می‌بایست توسط نص مستقیم الهی یا همان وصیت معرفی شود:

(وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى)

آن‌هاست. » (این حدیث با شرایط شیخ بخاری و مسلم صحیح است ولی آن را ذکر نکردند)



جواب السیوطی عن سؤال ذکره فی کتابه (الحاوی للفتاوی): (الأحادیث فی المهدی مختلفة..... إلى أن يقول والذي ترجح عندي من أكثر الأحادیث انه غیره، وأنه #خلیفة یقوم فی آخر الزمان، وأنه من ولد فاطمة، وقد ثبت فی أحادیث أنه یخرج من قبل المشرق، وأنه یبایع له بمكة بین الرکن والمقام).

(العرف الوردی فی اخبار المهدی ص ۱۵۷)

پاسخ سیوطی درباره سؤالی که در کتاب خود «الحاوی للفتاوی» داده است: «احادیث درباره مهدی مختلف است.... تا جایی که

می‌گوید: و آنچه در نزد من از طریق احادیث ارجح است این است که او خلیفه‌ای است

سید احمد الحسن علیه السلام:

صلح امام حسن علیه السلام صلحی به معنای متعارفش نیست؛ بلکه در واقع متارکه و آتش‌بسی بوده است که آن حضرت به آن مجبور شد تا برادرش حسین علیه السلام که مصداق خود امام حسن علیه السلام است با انقلابی که پژواکش تا همین امروز دنیا را به لرزه درآورده است، آن را دنبال نماید.

خورشیدِ فاران

خورشید جهان آرا سرمایه‌ی جان آمد
تبریک که پیغمبر بر خلق جهان آمد

لرزد تن کسری، آتشکده رفت از حال
ابلیس سی‌رو شد آن نورنشان آمد

آینه‌ی هو یعنی آن شهر کمالش
الله تجلی کرد گویا که همان آمد

پُر کرده رسولش را از کُهِ خودش حالا
آن غیب که من جویم نامش به اذان آمد

نوز و قلم و میم و آن جوهر می هست
لا هوت به یک باره، یک جا به عیان آمد

جز وحی خدا چیزی در گفته‌ی طاها نیست
لالا اند همه جز او، بنیان بیان آمد

دریای خروشانش بر ظرف علی پر شد
هنگام وفاتش هم حیدر به میان آمد

فرمود که من آید احمد پسر مهدی
الله خودش دیگر با ما به زبان آمد

املا‌ی وصیت را حقا که نوشت حیدر
حاشا، بُود هذیان منجی زمان آمد

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سالهاست که منتظر شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.